



## گویش سنجی و نقشه‌نگاری رایانشی زبان گونه‌های شمال استان ایلام بر پایه تحلیل انبوهه داده‌های زبانی\*

آرزو نجفیان<sup>۱</sup>  
سیف‌الله ملایی پاشایی<sup>۲</sup>  
یاسر سنایی<sup>۳</sup>

### چکیده

اطلس گویشی، تنوعات و گستره گونه‌های زبانی را در پهنه جغرافیایی یک منطقه نشان می‌دهد. پژوهش حاضر تلاش کرده است بر اساس تحلیل انبوهه داده‌های گویشی و بهره‌گیری از بسته نرم‌افزاری گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری  $RuG/L^{04}$  چشم‌اندازی از اطلس گویشی ناحیه شمالی استان ایلام، به همراه دستگاه آوایی گونه‌های زبانی رایج ارائه دهد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه افراد ساکن در روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار ناحیه شمالی استان ایلام بود. با در نظر گرفتن معیارهای آماری و گویش‌شناختی، ۳۶ نمونه گویشی از ۳۵ سایت تهیه شد. روش جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای ملهم از «طرح ملی اطلس زبانی ایران» مشتمل بر ۱۱۷ واژه و سه جمله بود که روایی آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ  $0/96$  است. نتایج نشان داد که گونه زبانی «لکی» با  $11,1\%$  از مجموع جامعه آماری پژوهش، «لری» با  $5,5\%$  و «کردی جنوبی» با  $83,3\%$ ، سه گروه گویشی عمده ناحیه شمالی ایلام را تشکیل می‌دهند.

**کلیدواژه‌ها:** گویش سنجی، اطلس گویشی، گونه‌های زبانی، استان ایلام، تحلیل انبوهه.

\*. Dialectometry and computational cartography of Linguistic varieties of north Ilam province based on aggregate data analysis

✉ a.najafian@pnu.ac.ir

۱- دانشیار زبانشناسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

✉ s.mollaye@gmail.com

۲- استادیار زبانشناسی، دانشگاه پیام نور

✉ yasersana93@gmail.com

۳- کارشناس ارشد زبانشناسی، دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/rjhl.2017.13276.1699

## مقدمه

امروزه گسترش و رخنه فرهنگ و زبان کشورهای پیشرفته، به واسطه رسانه‌های جمعی و فن‌آوری‌های نوین، زبان‌ها و گویش‌های دیگر را تحت تأثیر به‌سزا قرار داده و آنها را با خطر خاموشی و اضمحلال مواجه ساخته است؛ از این منظر، کمترین نتیجه‌ای که از پژوهش‌های گویش‌شناختی حاصل می‌شود، همانا ثبت گونه‌ها و تنوعات زبانی است. در واقع، آشکارسازی تمایزات آوایی، واژگانی و نحوی زبان گونه‌های یک ناحیه بر مبنای اطلس‌های زبانی، می‌تواند از یکسو در اتخاذ سیاست‌های زبانی مناسب، یاریگر باشد و از سوی دیگر، در برونداد نهادها، رسانه‌ها و سازمان‌های آموزشی و فرهنگی و نیز نیل به اهداف برنامه‌ریزی‌های زبانی تأثیر نهد (Baldauf;2008:21). همچنین پژوهش‌های گویش‌سنجی<sup>۱</sup> و گویش‌شناسی، گونه‌های زبانی «در معرض خطر<sup>۲</sup>» را از گونه‌های «امن<sup>۳</sup>» بازمی‌شناسند (Tulloch;2008: 95).

تولاج در همان منبع، بین دو اصطلاح «گویش‌شناسی» و «گویش‌سنجی» تمایز قائل می‌شود. به نظر، این تمایز از آنجا ریشه می‌گیرد که در میان رواج و گسترش پژوهش‌های گویش‌شناسی، پس از زایش جنبش رمانتیسم در اروپا در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، پژوهشگران به دنبال راه‌های نوین گویش‌شناسی بر پایه تحلیل انبوهه<sup>۴</sup> دادگان (و نه تنها یک واژه و یا صورت تلفظی خاص) بودند. درحقیقت، پژوهش‌های گویش‌شناسی عموماً پراکندگی یک واژه و یا آوای معین را در یک ناحیه جغرافیایی نشان می‌دهند و بر مبنای همین مطالعات، اطلس‌های گویشی تهیه می‌شود اما در گویش‌سنجی از ابزارهای آماری نوین و نیز از رایانه برای تحلیل کمی تمایزات، بهره می‌گیرند. پژوهش‌های گویش‌سنجی سابقه و قدمت زیادی ندارند. می‌توان گویش‌سنجی را روشی کمی در گویش‌شناسی تعریف کرد که به محاسبه رایانشی تفاوت‌های گویشی در دادگانی بزرگ می‌پردازد و نتایجی بدون سوگیری فردی با پایایی و روایی قابل قبول ارائه می‌دهد (گوئبل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰ و هیرینگا<sup>۶</sup> ۲۰۱۰ به نقل از ملایی پاشایی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

بدیهی است که پژوهش‌های گویش‌سنجی، در ادامه و راستای گویش‌شناسی سنتی قرار می‌گیرند. از آنجا که ابزارهای آماری و رایانه برای تحلیل دادگان در پژوهش‌های گویش‌سنجی به کار می‌روند لذا قدمت اینگونه آثار، زیاد نمی‌تواند دور باشد. از منابع چنین برمی‌آید که آغاز مهم‌ترین پژوهش‌های گویش‌سنجی به دودهمه<sup>۷</sup> اخیر بازمی‌گردد؛ برای نمونه، نربن و کرتسچمار<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) به معرفی پارهای فنآوری‌های گویش‌سنجی پرداخته‌اند. پالاندر<sup>۸</sup> و دیگران (۲۰۰۳) در زبان‌گونه‌های فنلاند شرقی، پرکیک<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) و همچنین اُسِنوا و

1. Dialectometry
2. Endangered Languages
3. safe
4. aggregate analysis
5. Goebel
6. Heeringa
7. J. Nerbonne & W. Kretzschmar
8. M. Palander
9. J. Prokic

دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در زبان بلغاری، هیرینگاو دیگران (۲۰۰۹) در گویش‌های نروژی، لی‌نونن<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مناطق گویشی سوئدی و نیز برادران هینبرورس<sup>۳</sup> (۱۹۸۸: ۲۰۰۴)، پژوهش‌هایی را مبتنی بر گویش‌سنجی و تحلیل انبوهه دادگان، انجام داده‌اند. در ایران، نجفیان و همکاران (۱۳۹۳) در زبان‌گونه‌های مازندرانی و اسدپور (۱۳۹۰) گونه‌های ترکی آذری را گویش‌سنجی کرده‌اند (ملایی‌پاشایی، نجفیان، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳).

در همین راستا، پژوهش گویش‌سنجی حاضر، با گردآوری دادگان گویشی از طریق طرح پرسشنامه «فرهنگساز»، برای نخستین بار تنوعات گویشی و پراکنش جغرافیایی زبان‌گونه‌های ناحیه شمالی استان ایلام را بر پایه «تحلیل انبوهه دادگان» ترسیم می‌نماید. پهنه جغرافیایی استان ایلام به‌ویژه «حوزه شمالی استان» به عنوان قلمرو مکانی پژوهش، یکی از کهن‌ترین کانون‌های تمدن در فلات ایران محسوب می‌شود؛ در بررسی آثاری از ناحیه هلیلان توسط مورتنسن در ۱۳۵۳ ه.ش، قدمت آثار به اواسط هزاره ششم ق.م تخمین زده شد (اکبری، ۱۳۸۶: ۷۳). همچنین، شمال غرب ایلام امروزی، در زمان ساسانیان تحت عنوان «ماسبذان»<sup>۴</sup> نامیده می‌شده است و از مناطق آباد امپراتوری ساسانی بوده (همان: ۱۶۱) و در ناحیه‌ای مکان‌یابی می‌شود که اکنون در حوزه پژوهش حاضر قرار می‌گیرد. رود سیمره، که سبب‌ساز تشکیل سکونت‌گاه‌های بشری و تمدن‌های زاگرس بوده است، از بخشی از ناحیه پژوهش عبور می‌کند. پدیده‌ها و عوارض طبیعی و نیز موقعیت استراتژیک، همگی نشان از اهمیت این ناحیه، در درازای تاریخ دارد. از سوی دیگر، بر طبق آمار جمعیتی (سازمان آمار کشور، ۱۳۹۰)، ناحیه‌ای جغرافیایی که چهار شهرستان شمال استان ایلام (ایلام، ایوان، چرداول و سیروان) در آن واقع شده‌اند، بیش از ۶۰٪ جمعیت استان را در خود جای داده است. همزمان در این محدوده جغرافیایی، پراکندگی تنوعات گویشی و زبانی نیز یافت می‌شود.

همان‌گونه که در پیشینه مطالعات گویش‌شناسی آمده و داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد، گونه‌های زبانی این ناحیه متعلق به خانواده زبان کردی هستند. گویش‌های متعدد کردی، خود به خانواده بزرگ زبان‌های ایرانی متعلق است که مجموعه زبانی یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند. «زبان کردی به سه گروه عمده شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود که هر کدام از گروه‌های عمده، گویش‌هایی را شامل می‌گردند. زیربخش گروه جنوبی شامل گویش‌های کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی، لری است» (بلو<sup>۵</sup>، ۱۳۹۳: ۵۴۳-۵۴۴). حوزه پژوهش حاضر، گونه‌های زبانی مذکور را شامل می‌گردد. علاوه بر اینها، گونه زبانی «فیلی»<sup>۶</sup> منتسب به والیان فیلی پشتکوه، نیز در محدوده استان ایلام، تکلم می‌شود (پالیزبان، یوسفی‌راد، ۱۳۹۴: ۴۲ و مرادی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۱۱) که بیشترین جمعیت گویشی را نیز به خود اختصاص داده است.

تاکنون پژوهشی گویش‌سنجی که بتواند بر مبنای تحلیل دادگانی انبوه، گوناگونی گونه‌های زبانی ناحیه شمالی استان ایلام را بازنمایی کند انجام نگرفته است. پژوهش حاضر در حقیقت اولین پژوهش گویش‌سنجی

1. P. Osenova
2. T. Leinonen
3. C. Hoppenbrouwers & G. Hoppenbrouwers
4. Masabazan
5. Joyce Blau
6. Feyli/feili

بر روی گونه‌های زبانی حوزه پژوهش است. محدود پژوهش‌های پیشین، همگی در حوزه گویش‌شناسی سنتی کار کرده‌اند که در ادامه به آنان اشاره می‌کنیم.

علی‌رغم آنکه دستاوردهای پژوهش حاضر، بر مبنای نرم‌افزار گویش‌سنجی و نقشه‌نگاری<sup>04</sup> RuG/L و تحلیل انبوهه دادگان گویشی به‌دست آمده و در واقع، از زاویه‌ای نو به مسئله نگریسته شده، اما نتایج به دست آمده، با برآیند کار پژوهشگران پیشین - که همگی منتج به ارائه اطلس‌های زبانی و گویشی می‌گردند - قابل مقایسه و مقابله است. روش‌شناسی بروز و بهره از ابزارهای رایانشی و بکارگیری روش‌های ریاضی و آماری و نیز تدوین نقشه‌های دیجیتالی، مؤید اصالت پژوهش حاضر بوده و آن را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند.

### اهداف و پرسش‌های پژوهش

به‌طور کلی، پژوهش حاضر به دنبال دست‌یابی به چند هدف عمده است؛ نخست آنکه، انگیزه انتخاب گونه‌های زبانی حوزه پژوهش، همانا قَلت منابع و داده‌های گویش‌های زبان کُردی و به‌ویژه حوزه مورد پژوهش است و این نوشتار می‌تواند بر حجم دادگان گویشی حوزه پژوهش و نیز منابع در دسترس پژوهشگران آتی بیافزاید. دوم آنکه، بهره از روش‌های نوین گویش‌سنجی و گویش‌شناسی برای بازنمایی تنوع زبانی، گویشی و پراکندگی زبان‌گونه‌های رایج در این ناحیه، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از تأثیر زبان‌گونه‌های منطقه بر همدیگر و پیش‌بینی‌های زبانی از مسیر و جهت تنوعات و تناوب‌های آوایی - واژگانی ارائه دهد. سوم آنکه این پژوهش بر آن است با فاصله گرفتن از روش‌های سنتی گویش‌شناسی و ملموس‌تر نمودن نقش سنجه‌های نوین زبان‌شناسی در ترسیم اطلس گویشی، اطلاعات حاصل از روش‌های سنتی را به گونه‌ای بهبود ببخشد. چهارم آنکه این پژوهش می‌کوشد که توزیع جغرافیایی و پراکنش گونه‌های زبانی ناحیه شمالی استان ایلام را بر اساس تحلیل انبوهه و سنجش شاخص فاصله زبانی در قالب اطلس گویشی ترسیم نماید. پنجم آنکه بی‌گمان دستاوردهای این پژوهش، با توجه به اینکه عیناً از پرسش‌نامه میراث فرهنگی که ماده اصلی گردآوری داده‌های زبانی برای «طرح ملی اطلس زبانی ایران» به شمار می‌رود، بهره برده است، در روند تکمیل این طرح ملی، سودمند و مفید خواهد بود.

با این اوصاف، در این پژوهش تلاش شده است، با اتخاذ و گزینش روش علمی نوین و ژرف‌نگر، چشم‌اندازی کمابیش روشن از وضعیت پیوستار گویشی حوزه مورد پژوهش در چارچوب پژوهش‌های گویش‌سنجی پدیدار شود و پاسخی برای این پرسش اصلی که «چند منطقه گویشی عمده، در حوزه شمالی استان ایلام قابل تفکیک است؟» آشکار گردد.

### پیشینه پژوهش

همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد محدود پژوهش‌های پیشین، همگی در حوزه گویش‌شناسی سنتی کار کرده‌اند. اشاره به گونه‌های زبانی استان ایلام را نخستین بار در سخن محمد امین زکی‌بیگ، محقق نامدار کُرد،

می‌بینیم که طی یک سفر رسمی در ۱۹۱۶ به لرستان می‌رود و از گویش فیلی نام می‌برد (زکی‌بیگ، ۱۳۸۰: ۲۳۱). حبیب‌الله منصوریان (۱۳۶۹) مؤلف نخستین فرهنگ لغت در ایلام، نیز در مقدمه کتابش، توصیف مختصری از زبان لری آورده و گونه زبانی مردم ایلام را «لری» می‌داند. سارایی (۱۳۷۹) بر بنیان گویش‌شناسی سنتی، در مقدمه «دیوان اشعار غلامرضاخان ارکوازی»، در بخشی تحت عنوان «زبان کردی و گویش‌های آن» به بررسی و بخش‌بندی گویش‌های کردی پرداخته است. وی تقسیم‌بندی خود را از ۲- کردی شمالی، ۳- کردی مرکزی (میانه)، ۴- کردی جنوبی، ۵- کردی جنوب شرقی و در نهایت برای کردی جنوبی نیز سه گویش در نظر می‌گیرد: ۱- کردی کلهری، ۲- کردی فیلی، ۳- لکی.

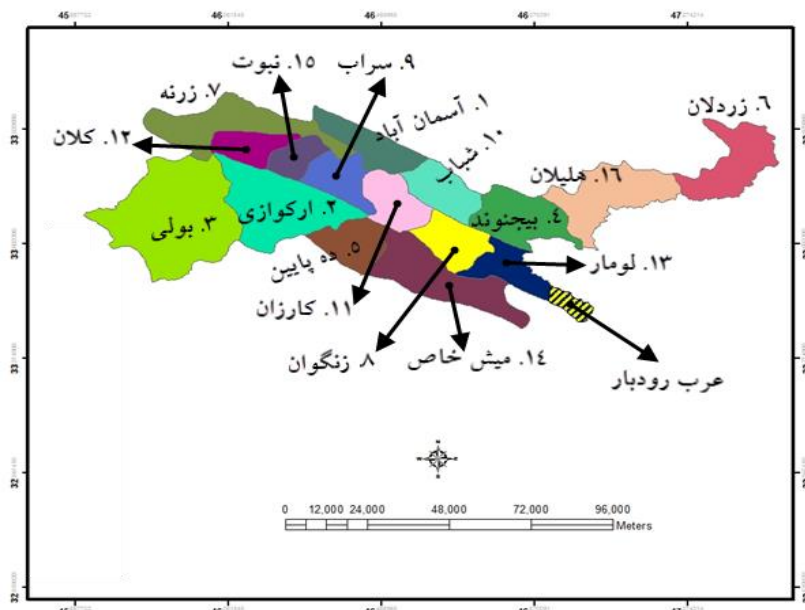
بازیار (۱۳۹۱) موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را به گویش‌شناسی ۴۰ روستا از روستاهای استان ایلام اختصاص می‌دهد. ابزار گردآوری دادگان وی، پرسشنامه «فرهنگساز» با اضافاتی بوده است (شامل ۱۴۹ واژه و ۴۴ جمله). بازیار پس از رتبه‌بندی تمامی واژگان و گروه‌بندی آنها در شش گروه از نظر تعداد صورت‌های تلفظی، به کمک نرم‌افزار SPSS اقدام به محاسبه میانگین هر گروه نموده است. وی پس از بررسی دادگان پژوهش نتیجه می‌گیرد که بیشترین شباهت، مربوط به اعداد و کمترین شباهت مربوط به نسبت‌های خانوادگی و اوقات شبانه‌روزی، واژه‌های طبیعت و ضمائر فاعلی است؛ گونه‌های زبانی در شهرستان‌های دهلران، آبدانان و دره‌شهر، از یکسو شباهت زبانی بیشتری با هم دارند و از سوی دیگر به دلیل مرز مشترک با استان لرستان، به لحاظ زبانی به این استان نزدیک‌اند؛ شباهت‌های زبانی کمتری بین زبان شهرستان‌های ایلام، ایوان، شیروان چرداول و ملکشاهی با فارسی معیار دیده می‌شود و بین گونه زبانی استان ایلام و فارسی معیار تفاوت‌های واکه‌ای قابل توجه و تقابل‌های همخوانی متنوعی وجود دارد (بازیار، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

علی‌اکبری و همکاران (۲۰۱۴) نیز بر مبنای گویش‌شناسی سنتی و ارائه پرسشنامه، چهار زبان اصلی «لکی»، «لری»، «کردی» و «عربی» را در استان ایلام بازمی‌شناسند و تصویری از خلاصه نگرش‌های محلی توزیع زبان را در استان ایلام به دست می‌دهند (Aliakbari, Gheitasi, Anonby, 2014). به تحقیق می‌توان گفت که کاربرد اصطلاح «زبان» برای نامیدن گونه‌های زبانی مورد پژوهش، غیرعلمی است. از برآیند آرای مطرح در پیشینه پژوهش‌های گویش‌شناختی ایلام چنین برمی‌آید که سه زبان گونه اصلی «لری»، «لکی» و «فیلی» در استان ایلام رواج دارند. در این بین، گونه «فیلی» که برخی آن را «کردی ایلامی» نیز می‌خوانند، بیشترین جمعیت گویشوران را به خود اختصاص داده است. زبان عربی و فارسی نیز به عنوان زبان‌هایی مجزا در گستره استان ایلام پراکنده‌اند؛ همچنین از مطالب می‌توان برداشت نمود که گویش‌شناسان سنتی، گونه «کلهری» را یک گویش می‌دانند و پژوهشگران متأخر، آن را زیرمجموعه «کردی جنوبی» معرفی می‌کنند.

## روش‌شناسی پژوهش

### قلمرو مکانی و زمانی پژوهش

قلمرو مکانی پژوهش دربرگیرنده چهار شهرستان از مجموع ۱۰ شهرستان استان ایلام است که گستره جغرافیایی شمال استان را در برمی‌گیرند و شهرستان‌های ایلام، ایوان، چرداول و سیروان را شامل می‌گردد. شهرستان ایلام شامل سه بخش چوار، سیوان و مرکزی است و دارای چهار دهستان است که مجموعاً نه نمونه گویشی از روستاهای هدف آن، گردآوری شده است. شهرستان ایوان نیز دو بخش و چهار دهستان دارد که با توجه به یکپارچگی گویشی آن، مجموعاً شش نمونه گویشی از روستاهای هدف آن تهیه شده است. از مجموع دو بخش و پنج دهستان شهرستان چرداول، ۱۱ نمونه گویشی فراهم گردید. از شهرستان سیروان که دارای دو بخش و چهار دهستان است نیز مجموعاً نه نمونه گویشی به دست آمد. دهستان عرب رودبار از توابع شهرستان سیروان زبان‌ورانی دارد که به زبان عربی تکلم می‌کنند. هرچند در سال‌های اخیر شاهد رخنه نیرومند زبان کردی بر آنان بوده‌ایم ولی همچنان، عربی زبان اول بیشینه مردمان این دهستان است. از این رو هیچ نمونه گویشی از این دهستان تهیه نشده است. در نقشه گویشی پژوهش (Aliakbari & et al; 2014)، به این دهستان اشاره شده است. محدوده جغرافیایی سکونت و رواج زبان عربی در گستره شهرستان سیروان، در (شکل ۱) و در منتهی‌الیه جنوب شرقی نقشه و با خطوط مورب زرد و سیاه، نشان داده شده است.



شکل ۱: شهرستان‌های حوزه شمالی استان ایلام به تفکیک «دهستان»

۱. تمامی دادگان جمعیتی و تقسیمات کشوری از سایت [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برگرفته شده است.

در این پژوهش، برای فراهم‌آوری ۳۶ نمونه گویشی، ۳۵ روستا از توابع ۱۶ دهستان که زیر مجموعهٔ نه بخش از شهرستان‌های حوزهٔ شمالی ایلام بودند مورد بررسی قرار گرفتند. در این بین، روستای سراب کارزان دوگویی بود و دو نمونه از آنجا تهیه شد و از دهستان عرب رودبار به علت تکلم زبان عربی نمونه‌ای گردآوری نشد. قلمرو زمانی پژوهش، بازهٔ زمانی اردیبهشت ۱۳۹۴ تا دی‌ماه همان سال را در بر می‌گیرد.



شکل ۲: نمایی کلی از حوزهٔ پژوهش، اسامی و شمارهٔ سایت‌ها

در آغاز، تصمیم بر آن بود که جغرافیایی سیاسی استان با توجه به حوزه‌های انتخابیهٔ استان ایلام در انتخابات مجلس شورای اسلامی، مبنای محدودهٔ پژوهش قرار گیرد. بر اساس تقسیم‌بندی سیاسی مذکور، دو حوزهٔ «شمالی» و «جنوبی» در استان ایلام قابل تفکیک است. حوزهٔ «شمالی» خود شامل شش شهرستان «ایلام»، «ایوان»، «چرداول»، «سیروان»، «مهران» و «ملکشاهی» است و حوزهٔ جنوبی استان، شهرستان‌های «دره‌شهر»، «بدره»، «آبدانان» و «دهلران» را در برمی‌گیرد. چند دلیل عمده از جمله، عدم حمایت مالی نهادهای مرتبط، وسعت قلمرو پژوهش و محدودیت زمانی، سبب شد که دو شهرستان «مهران» و «ملکشاهی» از قلمرو مکانی پژوهش حذف گردند. بنابراین، منظور از «حوزهٔ شمالی استان ایلام» در این پژوهش، چهار شهرستان «ایلام»، «ایوان»، «چرداول»، «سیروان» می‌باشد.

با توجه به محدودیت‌های حاکم بر اجتماع حوزهٔ پژوهش، مصاحبه از زنان در بسیاری از موارد با مشکل مواجه بود. بنابراین تصمیم گرفته شد که تمامی گویشوران، مرد، میان‌سال، بومی و ساکن روستا باشند. محدودیت دیگر که پژوهش با آن مواجه بود، مربوط به آوانویسی دادگان می‌شود؛ در برگردان دادگان به نشانه‌های آی.پی.ای، از آن رو که نرم‌افزار برخط گویش‌سنجی، در نمایاندن نشانه‌های «زبرزنجیری آ»، مانند نشانهٔ کشیدگی واکه (/:/)، محدودیت دارد، آوانویسی دادگان در این پژوهش، با روش‌هایی متناسب با نرم‌افزار انجام شده است که ذکر آنها در این نوشتار به تفصیل می‌انجامد.

1. IPA

2. suprasegmentals

### جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش را زبان‌ورانی تشکیل می‌دهند که در گستره مکانی پژوهش، یعنی چهار شهرستان و تمامی ۱۶ دهستان تابعه آنها زندگی می‌کنند. جمعیت این چهار شهرستان بر پایه سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ سازمان آمار کشور، ۳۳۴۵۷۹ نفر برآورد شده است. تمامی روستاهای قلمرو مکانی پژوهش با زبان فارسی آشنا هستند و آن را می‌فهمند و همگی مسلمان و شیعه هستند و به کمینه امکانات رسانه‌ای که گیرنده‌های تلویزیونی باشد دسترسی دارند.

نمونه آماری این پژوهش شامل تمامی روستاهای بیش از ۱۰۰ خانوار حوزه پژوهش (با توجه به آمار سال ۱۳۹۰) است؛ برای گردآوری دادگان و تعیین سایت‌ها، معیارهایی چون همانندی گویشی، بعد مسافت، تنگناهای پژوهش، و گویش‌های منحصربه‌فرد مدنظر بوده؛ بنابراین از هر دهستان، حداقل با یک و حداکثر با سه گویشور مصاحبه شده است. برای نمونه، دهستان بولی، با اینکه فاقد روستای با جمعیت بالای ۱۰۰ خانوار بود، نظر به اهمیت نمونه‌برداری از این دهستان و با در نظر گرفتن گویش‌های منحصربه‌فرد و فاصله جغرافیایی، دو روستای (سرچم‌دهارون) و (گنجوان) انتخاب شدند. بنابراین ۳۶ فایل مصاحبه از ۳۶ گویشور از مجموع ۳۵ سایت (دو گویشور از یک سایت دو گویشی بودند) به دست آمد و مبنای دادگان پژوهش قرار گرفت. تمامی مصاحبه‌شوندگان، مرد، با میانگین سنی ۴۶٫۴ سال، سواد متوسط دیپلم و مسلط به زبان گونه بومی خود هستند. شغل آنها کشاورز، کسبه، آزاد و برخی نیز فرهنگی ثبت شده است.

در کار عمده گویشی فرهنگستان زبان ایران<sup>۱</sup> در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۳ با استفاده از پرسشنامه فرهنگساز از تمامی روستاهای بیش از ۱۰ خانوار نمونه گویشی تهیه شده است. پژوهش حاضر نظر به محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، از تمامی روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار اقدام به گردآوری دادگان نموده است. برای تعیین دقیق سایت‌های مورد پژوهش و میزان درک و تفاهم متقابل گویشوران سایت‌های مجاور هم، از نتایج پرسش‌های شماره (۸) و (۹) بخش (ب) پرسشنامه طرح ملی اطلس زبانی بهره بردیم. این دو پرسش در ذیل آمده‌اند:

- آیا روستاهای دیگر نیز به گویش شما سخن می‌گویند؟

- آیا روستاهای همسایه به گویش‌های دیگر سخن می‌گویند؟

به دنبال طرح این پرسش‌ها از گویشوران، روستاهای دوزبانه و گونه‌های منحصر به فرد مشخص شدند و نمونه‌برداری گویشی از این سایت‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت. برای نمونه، گویشوران شهرستان سیروان، روستای حسن‌گاوداری را به عنوان یک سایت با گونه زبانی منحصر به فرد معرفی کردند و از همین رو از این سایت نیز نمونه گویشی تهیه شد. همچنین در شهرستان ایوان، بنا به نتایج این دو پرسش، هیچ گونه زبانی منحصر به فرد و یا متفاوتی آشکار نگشت.

۱. در اینجا نام قدیمی این نهاد در سال‌های مذکور مدنظر بوده و اکنون این نهاد تحت عنوان «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» فعالیت می‌نماید.



### مواد و داده‌های زبانی پژوهش

تمامی داده‌های گویشی این پژوهش از راه پرسشنامه طرح ملی اطلس زبانی (فرهنگساز)، از ۳۶ گویشور و به روش مصاحبه در محل به دست آمده است. پس از آوانویسی تمامی دادگان و مواد پرسشنامه و بررسی معادل‌های گویشی ۳۶ جمله پرسشنامه، سه جمله که می‌توانست به گونه‌ای، بازنمای گویشی مناطق باشد، انتخاب شد که عبارتند از: جمله شماره (۱) از فایل پرسشنامه یعنی جمله «من تو را دیدم»، گزاره‌های مستخرج از جمله شماره (۱۰) «دارد کار می‌کند» و جمله شماره (۲۹) «در خانه بودم». از سوی دیگر برای آنکه نرم‌افزار گویش‌سنجی بتواند بر پایه دادگان تمایزدهنده، نتایج بهتر و دقیق‌تری به دست دهد، نگارندگان با بهره از شم زبانی خویش و نیز موارد مشابه در واژگان، مواردی از مجموع ۳۵ جمله پرسشنامه، که می‌توانست به بازنمایی گویشی مناطق بیانجامد، به شرح ذیل استخراج نمودند: سه قید «دیروز»، «هنوز»، «خیلی»، دو حرف اضافه «در»، «با» و هشت فعل «خورده‌ام»، «نمی‌آیم»، «می‌خواهم»، «نیامد»، «نمی‌بینم»، «رسیدی»، «می‌روم»، «می‌آیم» و یک ضمیر «خودش». مجموعاً ۱۱۷ واژه و عبارت و سه جمله ساده از پرسشنامه استخراج شدند (پیوست شماره ۱). آلفای کرونیخ در این پژوهش، ۰٫۹۶ به دست آمده که نشان از روایی دادگان دارد.

### شیوه راینشی کردن دادگان

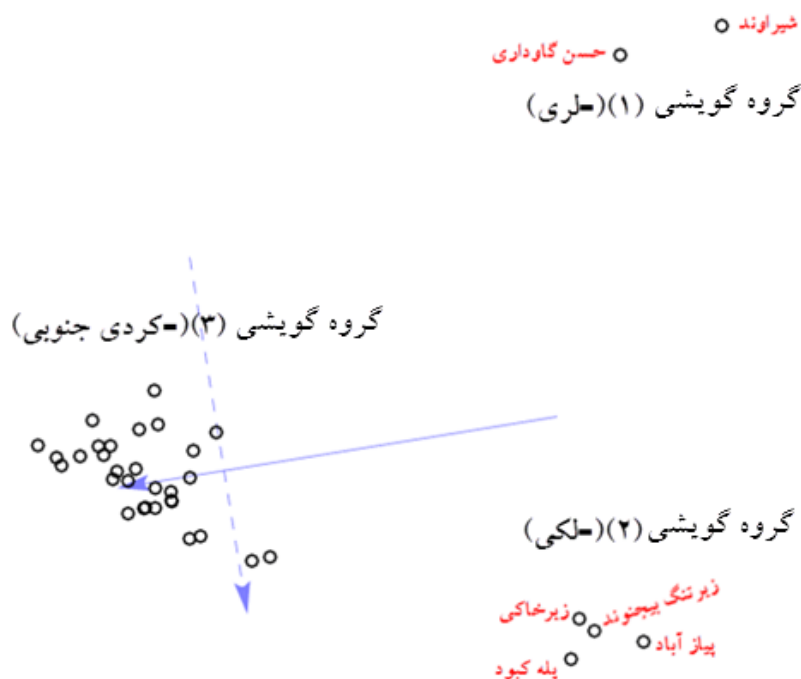
پس از پیاده‌سازی و استخراج فایل‌های صوتی، در آغاز و با بهره‌گیری از نویسه‌های آی.پی.ای، معادل مواد زبانی پرسش‌نامه (۱۰۵ واژه و ۳۶ جمله) نگاشته شد. سپس از معادل‌های گویشی با نویسه‌های آی.پی.ای آوانوشت کلی تهیه شد. برای آوانگاری همخوان‌ها، واکه‌ها و واج‌گونه‌های گونه‌های زبانی رایج در حوزه شمالی استان ایلام جمعاً از ۴۱ نویسه آی.پی.ای (مجموعاً ۴۲۱۲ نویسه) استفاده شده است. از آنجا که پس از نمونه‌برداری و مصاحبه از هر سایت در حوزه پژوهش، مختصات جغرافیایی آن سایت ثبت گردید، در مرحله بعد تمامی سایت‌ها در نرم‌افزار گوگل‌ارت<sup>۱</sup> با یک «مکان‌نگاشت» مکان‌یابی شدند.

### تحلیل انبوهه دادگان و یافته‌های پژوهش

نرم‌افزار گویش‌سنجی RuG/L<sup>04</sup> که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده امکانات آماری و تحلیلی متنوعی بر پایه تحلیل انبوهه دادگان، در اختیار کاربر قرار می‌دهد. از مهم‌ترین نمودارها و سنج‌های این نرم‌افزار، می‌توان به مقیاس‌گذاری چندبعدی<sup>۲</sup> و نمودار خوشه‌ای<sup>۳</sup> اشاره کرد؛ تکنیک مقیاس‌گذاری چندبعدی، یک روش ریاضی برای تعیین موقعیت اشیاء (زبان یا گویش) در دو یا چند محور در فضای هندسی است (Snoek, 2014: 202). این تکنیک، به لحاظ آماری، پایایی بالایی دارد و در آن، زبان‌گونه‌های بسیار شبیه، نزدیک به یکدیگر و زبان‌گونه‌های بسیار متفاوت، دور از یکدیگر واقع می‌شوند (کروسکال و ویش،

1. Google Earth
2. Multidimensional Scaling(MDS)
3. dendrogram

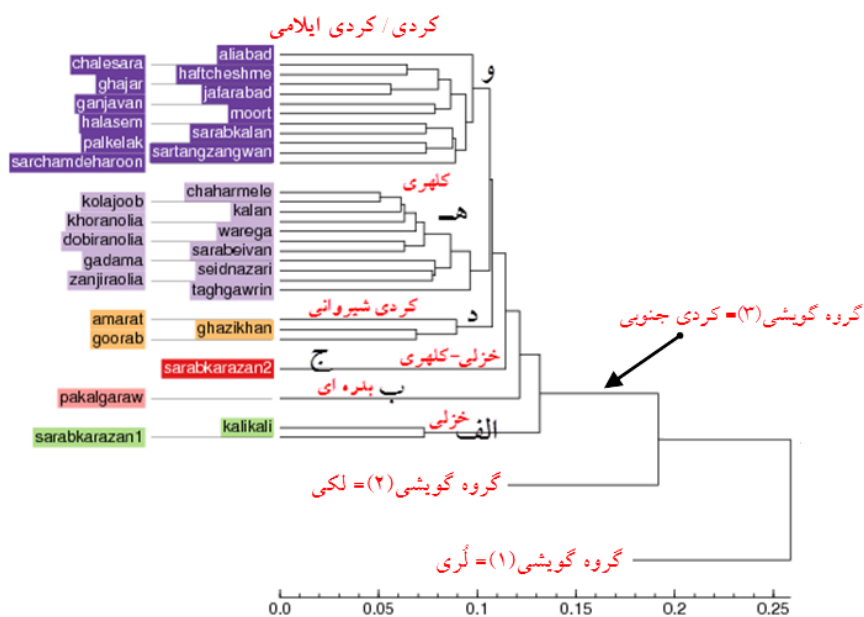
۱۹۸۴ به نقل از ملایی‌پاشایی، ۱۳۹۲: ۶۴). در (شکل ۳)، ۳۶ سایت قلمرو پژوهش، بر اساس تکنیک مقیاس‌گذاری چند بعدی به نمایش درآمده‌اند. این نمودار دو بعدی است و ابعاد آن را «فاصله جغرافیایی» و «فاصله زبانی» تشکیل می‌دهند و سه گروه گویشی را به نمایش می‌گذارد. گروه گویشی نخست، دو سایت «حسن‌گوداری» و «شیراوند» را شامل می‌شود و در بخش فوقانی نمودار مشخص شده است. گویشوران این دو سایت، نام «لری» را برای اشاره به زبان گونه خویش به کار برده‌اند.



شکل ۳: نمودار مقیاس‌گذاری چند بعدی سایت‌های حوزه پژوهش

گروه گویشی دوم که در بخش پایین و سمت راست نمودار فوق آشکار گشته، شامل چهار سایت «زیرتنگ بیجنوند»، «زیرخاکی»، «پلازآباد» و «پله‌کبود» است. گویشوران این چهار سایت، گونه زبانی خود را «لکی» می‌نامند. گروه گویشی سوم، مجموعه ۳۲ سایت دیگر است که در بخش پایین، سمت چپ نمودار متمایز شده‌اند. بیشتر گویشوران این گروه گویشی، نام عمومی «کردی» را برای نامیدن گونه زبانی خود به کار برده و گاه مشاهده شد که پس از ذکر نام «کردی»، نام زبان گونه و یا لهجه خود را نیز بیان کرده‌اند. در واقع نامگذاری گروه‌ها و زیرگروه‌های بر اساس شم زبانی گویشوران انجام شده است.

بدین ترتیب، آشکار شد که با بهره از نمودار مقیاس‌گذاری چند بعدی، سه گروه گویشی در حوزه جغرافیایی شمال ایلام قابل تفکیک است. برای تحلیل دقیق‌تر رابطه این گروه‌های گویشی، با تحلیل انبوههٔ مجموع ۱۱۷ واژه و سه جمله، درخت‌نگار سایت‌های قلمرو پژوهش را به صورت (شکل ۴) رسم می‌کنیم. این درخت‌نگار بر پایهٔ میانگین تفاوت‌های تلفظی ۱۱۷ واژه پرسشنامه رسم شده است. در این نمودار نیز همانند روش مقیاس‌گذاری چند بعدی، سه گروه گویشی عمده به دست داده شده است.



شکل ۴: درخت‌نگار خوشه‌ای زبان‌گونه‌های ناحیهٔ شمالی ایلام

بر پایهٔ اطلاعات درخت‌نگار خوشه‌ای شکل (۴)، در ابتدا شاهد تفکیک دو گروه گویشی (۱ / لری) شامل دو سایت «حسن‌گوداری» و «شیراوند» از گروه گویشی (۲/ لکی) شامل چهار سایت «زیرتنگ بیخونوند»، «زیرخاکی»، «پیازآباد» و «پله‌کبود» و گروه گویشی (۳/ کردی جنوبی) با شاخص فاصله زبانی ۰/۲۶ هستیم. در واقع خوشه‌نگار فوق نشان می‌دهد که گروه گویشی (۱ / لری) بیشترین تفاوت گویشی را نسبت به دیگر سایت‌ها دارد. یکی از فرایندهای آوایی رایج در این منطقهٔ گویشی، ابدال همخوان غلت نرم کامی /w/ به همخوان انسدادی و دولبی /b/ است (قاعده ۱). مانند «برگ» /wæŋ/→/bærg/ و «عروس» /wey/→/bæwi/ «برف» /wæf(ə)r/→/bærf/، همچنین ابدال همخوان سایشی ملازی /x/ به همخوان سایشی چاکنایی بیواک /h/ است (قاعده ۲) مانند معادل واژهٔ «دایی» /haŋ/ و معادل «خانه» /honæ/.

قاعده (۱):	b	→	w	/	#	_____
قاعده (۲):	h	→	x	/	#	_____

از دیگر تشابهات گونه‌های زبانی منطقه گویشی (۱) می‌توان به وقوع تشابهات واژگانی در معادل‌های واژه «پدر» /bowæ/، «چشم» /tʃæʃ/، «دختر» /doxtər/، و نیز تنوعات ساختوازی همسان، از جمله در تلفظ ضمائر «ینجا» /iʃə/، و «خودش» /xɔʃ/، قید «دیروز» /dɪnjə/ و حرف اضافه «در» /də/ و نیز، تلفظ بن مضارع از فعل «خواستن» /h(j)ɑ- از جمله اشتراکات گونه‌های زبانی این منطقه گویشی است. در ادامه، گروه گویشی (۲ / لکی) با شاخص فاصله زبانی ۰/۱۸ از گروه گویشی سوم (۳ / کردی جنوبی) مجزا می‌شود. در این منطقه گویشی، همخوان غلت‌دولبی /w/ در جایگاه آغازین، مبدل به همخوان سایشی لبی-دندانی /v/ می‌شود (قاعده ۳). مانند معادل واژه «باد» /wɑ/ → /vɑ/، «برف» /wæf (ə)r/ → /væf (ə)r/، «برگ» /wærk/ → /værk/، «برگ» /wæŋ/ → /væŋk/ همچنین قاعده (۲) که در بالا بدان اشاره شد، در این منطقه گویشی نیز رایج است به علاوه فرایندی متمایز در محیط واکه‌ای که عبارت است از تبدیل واکه مرکب /yæ/ به واکه بسیط /y/ یا /ə/ و یا غلت-واکه /wɪ/ مانند «جو» /kwæ/ → /kwɪ/ و (قاعده ۴) /dʒyæ/ → /dʒy/.

$$yæ \rightarrow \left[ \begin{matrix} wɪ \\ ə \end{matrix} \right] / c \text{ —}$$

قاعده (۴): w → v / # \_\_\_\_\_

کاربرد /wəʒɪ/ برای معادل ضمیر «خودش» و نیز برجستگی کاربرد ویژگی «نیمه ارگنیو» یا «نیمه کنایی بودن» در نحو، از مهمترین تمایزات این منطقه گویشی با سایر مناطق است. اصطلاح «کنایی بودن» در پذیرفته‌ترین تعبیرش برای توصیف الگویی دستوری به کار می‌رود که در آن با فاعل بند لازم به همان شیوه‌ای رفتار می‌شود که با مفعول بند متعدی، و این متفاوت است از رفتاری که با فاعل [بند] متعدی می‌شود (دیکسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: مقدمه به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲، ج: ۱: ۷۶). در واقع فاعل ساخت‌های کنایی لازم و متعدی با هم متفاوت است. گویش‌های شمالی کُردی از جمله کرمانجی، از ساخت کنایی کامل برخوردارند و این ویژگی در گویش‌ها و گونه‌های جنوبی‌تر به «نیمه کنایی» و فاعلی مفعولی بدل می‌شود. تحت تأثیر این نظام‌های حالت‌نمایی، در گویش‌های مختلف زبان کردی صورت‌های مختلفی برای مطابقت فعل با فاعل شکل گرفته است.

با استناد به داده‌های پژوهش یکی از تمایزات نحوی رایج در میان گونه‌های زبانی رایج در حوزه شمالی استان ایلام به همین تنوعات نظام مطابقت فعل با فاعل مربوط می‌شود. در برخی گونه‌ها ساختارهایی دیده

1. Dixon

می‌شود که در آنها شناسهٔ شخص و شمار، به جای اتصال به فعل گذشته (در زمان حال چنین ساختاری دیده نمی‌شود) به مفعول جمله می‌پیوندند.

مثالی که به خوبی، نمایانگر این ویژگی باشد، جملهٔ شماره (۱) پرسشنامه است که در آن معادل فارسی «من تو را دیدم» از گویشور پرسیده می‌شود. گویشوران گروه گویشی (۲) (=لکی) معادل کلی این جمله را با جابجایی ضمیر پیوسته از انتهای جمله و اتصال به مفعول، بیان می‌کنند. برای نمونه، ضمیر /m/ در جمله /mə tə di-m/ در گونهٔ زبانی «لکی» به صورت /mə tə (n.ə)m di/ بیان می‌گردد.

گروه گویشی سوم (۳ / کردی جنوبی) که بیشترین تعداد سایت‌ها را در خود جای داده است شامل شش زیرگروه به نام ایلامی، کلهری، شیروانی، خزلی، و بدره‌ای است که به ترتیب فاصلهٔ زبانی، در درخت‌نگار پدیدار گشته‌اند. شاخص فاصله زبانی این زیرگروه‌ها بسیار اندک و بین ۰/۰۹ تا ۰/۱۳ است. به عبارت دیگر اگر تفاوت زبانی بین گروه‌های سه گانه لری، کردی، و لکی مندرج در نمودار (۶) را از نوع «گویشی» مفروض داریم، این زیرگروه‌ها به عنوان لهجه‌های گروه گویشی سوم (۳ / کردی جنوبی) بازشناخته خواهند شد.

دو سایت واقع در بخش مرکزی شهرستان شیروان، یعنی سراب‌کارزان(۱) و کلی‌کلی، بافاصلهٔ زبانی حدود (۰.۶)، در کنار هم، زیرگروه الف/خزلی را تشکیل می‌دهند. معادل تلفظی /ʔaɪ/ برای «بچه»، کاربرد ضمیر /wəʒ-əm/ برای معادل «خودم» و همچنین استفاده از پیشوند /mæ/ در صرف افعال استمراری از جمله برجسته‌ترین تمایزات این گونهٔ زبانی با سایر گونه‌هاست.

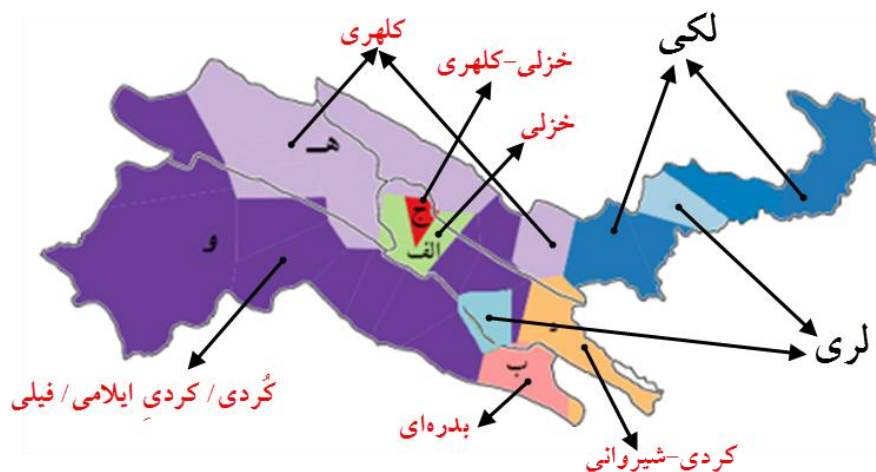
کاربرد پیشوند استمراری /ʔæ/ در افعال استمراری مانند /ʔæ-xwæ-m/ برای «می‌خورم» و پیشوند منفی‌ساز /na/ در افعالی مانند «نمی‌خورم» (=na-xwæ-m) از جمله تمایزات زیرگروه گویشی ب/بدره‌ای است. همچنین در حوزهٔ «صرف» برای فعل نفی اول شخص مضارع سادهٔ «نمی‌بینم»، معادل /n-a-ɪn-/ و از همین صیغه برای مصدر «آمدن» معادل /n-a-ɪ-m/ و برای سوم شخص ماضی ساده از مصدر «آمدن»، معادل /hat-əd/ را بیان می‌کنند و پیشوند استمراری /ʔæ/ را برای تمامی صیغگان استمراری به کار می‌برند.

بکارگیری ضمیر /weɪ/ برای معادل «او» تحت تأثیر گونهٔ زبانی زبیرین و نیز معادل /dø/ برای عدد «دو» از ویژگی‌های متمایز تلفظی در زیرگروه «ج/خزلی-کلهری» است. معادل /xweɪfək/ برای «خواهر» (به صورت دوهجایی تلفظ کردن)، تناوب همخوان /b/ در واج آغازین معادل واژهٔ «عروس» و نیز معادل واژهٔ «باد» به صورت /wɑh/ برخی از مهمترین تمایزات تلفظی زیرگروه د/کردی-شیروانی است.

زیرگروه ه-/کلهری کاربرد پسوند /ən/ در /keɪ-d-ən/ به معنای «می‌کند»، در جایگاه پایانی صرف صیغه‌های مضارع افعال، مختص این گونهٔ زبانی است. ناگفته نماند که به دلایل تاریخی-جغرافیایی، لزوماً کاربرد پسوند /ən/ در تمامی گونه‌های زبانی متناسب، رخ نمی‌دهد. برای نمونه، گونهٔ زبانی بخش

۱. با توجه به اینکه در روستای سراب‌کارزان، همزمان دو گونهٔ زبانی به کار می‌رود، در این نوشتار، گونهٔ زبانی نخست را به صورت «سراب‌کارزان(۱)» و گونهٔ زبانی دوم را به صورت «سراب‌کارزان(۲)» نشان داده‌ایم.

«آسمان‌آباد» شهرستان چرداول که در مجاورت با گویشوران «کلهری» ساکن در شهرستان ایوان قرار داشته‌اند، در گذر زمان گونه زبانی خود را به سایت‌های شهرستان ایوان و گونه موسوم به «کلهری» نزدیک نموده اما برای نمونه پسوند /ən/ را به گونه زبانی خود راه نداده است.



شکل ۵: نقشه خوشه‌ای سایت‌های حوزه پژوهش

نقشه (شکل ۵) موقعیت جغرافیایی خوشه‌های متناظر درخت‌نگار (شکل ۴) را در ناحیه شمالی استان ایلام نشان می‌دهد. همانگونه که پیداست، دو گروه گویشی «لکی» و «لری» در بخش شمال شرقی استان قابل مشاهده هستند. منطقه گویشی (۱/ لری) قسمتی از بخش هلیلان در شهرستان چرداول و یک سایت از شهرستان سیروان و در مجموع، ۵.۵٪ از جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد. گستره جغرافیایی گروه گویشی (۲/ لکی) محدود به بخش هلیلان شهرستان چرداول است و در واقع منطقه شمال شرقی حوزه پژوهش را شامل می‌شود.

همچنین شش زیر گروه گویشی که در زیرمجموعه گروه گویشی «کردی جنوبی» قرار می‌گیرند نیز مشخص شده‌اند. محدوده جغرافیایی شهرستان ایلام، ایوان، بخش مرکزی و غربی شهرستان چرداول و شهرستان سیروان (بجز یک سایت) را در بر گرفته و گروه گویشی غالب در حوزه پژوهش به شمار می‌رود. نکته قابل توجه در این نقشه، پیوستگی جغرافیایی گونه‌های زبانی «کردی ایلامی/ فیلی» متناسب به «کردی جنوبی» است که جنوب و جنوب غرب حوزه پژوهش را فراگرفته است. زیرگروه گویشی «خزلی» در بخش کارزان و بخش‌هایی از شهرستان چرداول (سرابله) تکلم می‌شود. زیرگروه گویشی ب/ بدره‌ای در سایت «پاکل‌گراو»، محدوده‌ای از جنوب شرق حوزه پژوهش را شامل می‌شود که بخش‌هایی از منتهی‌الیه جنوب شرقی شهرستان ایلام و سیروان را در برمی‌گیرد. زیرگروه «ج/ خزلی- کلهری» منحصرأً به سایت

«سراب کارزان (۲)» که در بخش کارزان شهرستان سیروان واقع است، اشاره دارد. زیرگروه د/کردی-شیروانی سایت‌های قاضی‌خان، عمارت و گوراب نواحی جنوبی و جنوب شرقی شهرستان سیروان را در برمی‌گیرد. تمامی سایت‌های شهرستان ایوان و بخشی از شهرستان چرداول در یک پیوستار گویشی با فاصله زبانی اندک (۰,۵ تا ۰,۷) در زیرگروه ه-کلهری قرار می‌گیرند (مشخصاً شامل ۱۱ سایت چهارمله، کلان، وارگه، سراب ایوان، صیدنظری، طاق‌گاورین، کله‌جوب، خوران‌علیا، دوبیران‌علیا، گدمه، زنجیره‌علیا). زیرگروه گویشی و/کردی ایلامی، بخش مرکزی و غربی شهرستان ایلام، یک سایت از شهرستان چرداول و دو سایت از شهرستان سیروان را شامل می‌گردد (مشخصاً ۱۲ سایت علی‌آباد، هفت‌چشمه، جعفرآباد، مورت، سراب کلان، سرتنگ‌زنگوان، چالسر، فجر، گنجوان، هلسم، پلک‌لک، سرچم‌دهارون).

### بحث و نتیجه‌گیری

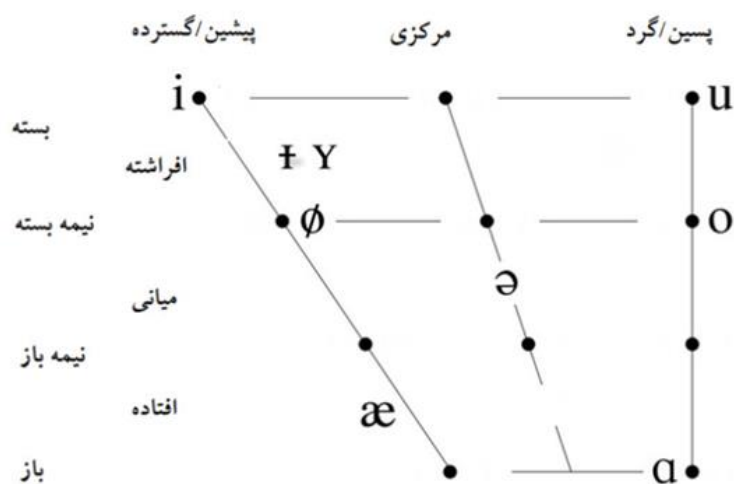
همان‌گونه که از نتایج تحلیل انبوهه و نیز نمودارها و نقشه‌هایی که بر پایه فاصله زبانی ترسیم شده بودند آشکار گشت، دو منطقه گویشی در قالب سه «گروه گویشی عمده» در حوزه شمالی استان ایلام شناسایی شدند. منطقه گویشی نخستین گروه گویشی «لری» و منطقه گویشی دوم، دو گویشی «لکی» و «کردی جنوبی» را شامل می‌شود.

در پیشینه پژوهش آمد که سارایی (۱۳۷۹) گویش‌های ایلامی را به کردی کلهری، کردی فیلی، و لکی تقسیم می‌کند و از گویش «لری» نام نمی‌برد. این در حالی است که نتایج تحلیل انبوهه دادگان پژوهش حاضر، «کردی کلهری» و «کردی ایلامی» را نه به‌عنوان دو گویش مجزا بلکه به‌عنوان دو زیرگروه گویشی با فاصله زبانی اندک برمی‌شمرد. تقسیم‌بندی سارایی، ادامه کار گویش‌شناسی سنتی است و در تهیه آن از هیچ پرسشنامه و ابزار تخصصی گویش‌سنجی استفاده نشده است.

در پژوهش (Aliakbari & et al, 2014:6)، در قالب نقشه گویشی استان و گونه‌های زبانی مورد اشاره در شهرستان سیروان، نتایج تا آنجا که مربوط به حوزه پژوهش می‌شود، تأیید می‌گردند. با وجود برخی اشتراکات، تفاوت‌هایی در جزئیات نتایج به چشم می‌خورد. از جمله اینکه، بر اساس نتایج نوشتار حاضر، در شهرستان چرداول، هر سه گروه عمده گویشی (لری، لکی و کردی جنوبی) گویشور دارند اما در پژوهش علی‌اکبری و دیگران به این مهم اشاره نشده است و گویشوران این شهرستان را «لک» و «کرد» می‌خواند. نتایج تحلیل انبوهه، تنها می‌تواند وجود گونه «کردی» در شهرستان ایلام را تأیید کند. همچنین کاربرد لفظ «زبان» در پژوهش آنان، برای نامیدن گونه‌های زبانی ایلامی، علمی به نظر نمی‌رسد بلکه باید از معادل‌های «گویش، لهجه» و یا عنوان خنثی «زبان‌گونه» برای این تنوعات بهره برد. همچنین اشاره به ثبت دادگانی از زبان فارسی و عربی و دیگر زبان‌ها در شهرستان ایلام، به معنای ورود به بحث گویش‌شناسی شهری<sup>۱</sup> است که مجال جدی‌گانه و مفصل می‌خواهد و از روایی پژوهش مذکور کاسته است.

از تطبیق نتایج حاصل از تحلیل انبوهه با پژوهش با زیار (۱۳۹۱) چند نکته قابل ذکر است؛ نخست آنکه، یافته‌های پژوهش با زیار، درباره وجود همخوان‌ها، واکه‌ها و از همه مهم‌تر واکه‌های مرکب، با یافته‌های حاصل از نوشتار حاضر، تطابق نسبی دارد. در پژوهش با زیار (۱۳۹۱) خلاء پژوهشی پیرامون سایت‌های دوگویی دیده می‌شود. همچنین با وجود گستردگی پرسشنامه، بررسی تنوعات و ارائه نقشه‌ها بسیار محدود و کلی است.

یکی از نتایج پژوهش حاضر، همانا به دست‌دادن دستگاه آوایی گونه‌های مورد بررسی است. در بررسی دادگان پژوهش، از مجموع گونه‌های زبانی حوزه شمالی ایلام (این تعداد، زبان عربی که در حوزه پژوهش واقع شده، را شامل نمی‌گردد)، نه (۹) واکه بسیط شناسایی شدند.



شکل ۶: دستگاه واکه‌ای گونه‌های زبانی نواحی شمالی استان ایلام

در پژوهش‌های پیشین، بسته به گویش و یا گونه زبانی مورد پژوهش، تعداد این واکه‌ها متفاوت است. برای نمونه پالیزبان (۱۳۸۰) و شیرزی (۱۳۸۰) برای گویش کردی ایلامی، هشت واکه در نظر گرفته‌اند و امامی و سبزه (۱۳۹۲) برای گویش مذکور یعنی کردی ایلامی، ۱۰ واکه را برشمرده‌اند. در اینجا، چونکه با چند گونه زبانی خاص سروکار داریم، مجموعاً نه واکه بسیط شناسایی شده‌اند که توصیف آنها در (پیوست شماره ۲) آمده و در این بین، سه واکه تمایزدهنده /ɪ/، /ʏ/، /ø/ که برخی از آنها در نوع خود برای نخستین بار است که در پژوهش‌های گویش‌شناسی ناحیه شمالی استان ایلام، بدان‌ها اشاره می‌شود.

بر اساس نتایجی که از تحلیل دادگان پژوهش به دست آمد، بدون احتساب واجگونه‌ها، و با برشمردن غلت‌ها به‌عنوان همخوان، ۲۷ واج همخوانی از مجموع گونه‌های زبانی موجود در ناحیه پژوهش شناسایی شدند. وجه شاخص نظام همخوانی این گونه‌ها، وجود دو واج همخوانی -هجایی ɪ و ʏ است که مختصه



هجایی دارند و حتی می‌توانند در برخی بافت‌های آوایی، در خوشه‌های دو همخوانی CC، نقش قله هجا را بازی کنند. این ویژگی بسیار کهن بوده و بازمانده از زبان هندواروپایی آغازین است. بارتلمه (۱۳۸۴) ذیل بحثی تحت عنوان «خوش‌آواها» درباره آن سخن گفته است. همچنین (Roach, 2009:68) و حق‌شناس (۱۳۹۰:۱۱۲) نیز به این همخوان‌های هجایی اشاره می‌کنند و به شرح آن‌ها پرداخته‌اند. همخوان‌های هجایی توزیع کامل ندارند و نمی‌توانند در آغاز هجا واقع شوند. واج خیشومی نرمکامی /ŋ/ و همخوان دولی غلت /w/ نیز از دیگر واج‌های همخوانی شاخص این زبان است. در پیوست شماره (۳) شرح همخوان‌های حوزه پژوهش داده شده است. شایان ذکر است که در نظام همخوانی زبان کردی ایلامی واجگونه‌های متعددی از برخی همخوان‌ها دیده می‌شود که در این جستار به دلیل محدودیت حجم مقاله از بیان آن صرف نظر می‌کنیم.<sup>۱</sup>

یکی از فرایندهای آوایی غالب در گونه‌های مختلف زبان کردی ایلامی نرم‌شدگی<sup>۲</sup> همخوانی است که این فرایند سبب به وجود آمدن واج گونه‌های متعدد همخوانی می‌گردد. همخوان انسدادی نرمکامی /g/ دارای یک واجگونه ناسوده نرمکامی است که به‌طور غالب در سایت‌های شهرستان ایوان در مقایسه با سایر نقاط حوزه پژوهش آشکار می‌گردد و به صورت /u/ آوانگاری شده است. واجگونه شاخص دیگر واجگونه /y/، سایشی ملازی واکدار حاصل واکدار شدگی همخوان سایشی ملازی بیواک /x/ در محیط واکی (بین دو واکه و در موارد محدودی در مجاورت یک واکه) است. برای مثال /mævɑr/ به معنای «غار» یا /bævɑr /kærdən/ به معنای «بغ کردن». البته در اغلب گونه‌های زبانی، هر دو صورت این واج می‌تواند به کار رود. تحلیل «واکه‌های مرکب» در گونه‌های زبانی ناحیه شمالی استان ایلام، از نوآوری‌های این پژوهش به شمار می‌آید و بودن بحث در هیچ‌کدام از منابع پیشین، تحلیل و ارائه نشده است اما به دلیل مبسوط و تنوع واکه‌های مرکب دو آوایی و سه آوایی توصیف کامل آن به جستاری دیگر محول می‌گردد. در دادگان پژوهش، توالی‌های سه واکه‌ای که در واژگان منفرد وقوع یافته باشد دیده نشد و صرفاً در محل اتصال وندها (وندهای تصریفی) به واژه‌ها وقوع می‌یابند. اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت بر اساس دادگان گردآوری شده در حوزه پژوهش، منابع ادبی و شعری حوزه پژوهش و نیز استفاده از شمّ زبانی نگارندگان، هشت واکه مرکب دو آوایی فرازین (/aY/, /eY/, /eI/, /eI/, /aY/ و /aY/) و چهار واکه مرکب دوآوایی فرودین (/Iæ/, /Iæ/ در گونه‌های زبانی مورد پژوهش دیده شده است.

در پایان باید گفت در مطالعات میدانی که برای این پژوهش صورت گرفت، زمینه‌های پژوهشی گوناگونی رصد شد؛ از آنجا که محدودیت این نوشتار اجازه نمی‌دهد که از تمامی زمینه‌ها سخن به میان آید لذا در قالب پیشنهادهای پژوهشی، به برخی از زمینه‌ها اشاره می‌گردد:

- در هنگام مصاحبه از گویشوران برخی معادل‌های گویشی با عبارتهایی ویژه آغاز می‌شدند که نشان از تأثیر شرایط اجتماعی، جنسیت، فرهنگ حاکم و حتی آیین رایج در منطقه داشتند که می‌تواند در حوزه

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد سنایی (۱۳۹۵) است. برای جزئیات بیشتر به این منبع رجوع شود.

جامعه‌شناسی زبان مورد پژوهش قرار گیرند. برای نمونه گویشوران کم سوادِ مسن، هنگام بیان معادل گویشی واژه «سگ و قاطر» عبارتی نظیر /bɪ ʔdæwɟæ/ را به کار می‌برند که معنای فارسی آن «بی‌ادبی است (بیخشید)» است.

- کشش واکه‌ها و آهنگ خیزان و افتان واژگان و جملات و نیز محل تکیه در جمله و واژه، در برخی سایت‌های پژوهش، جالب توجه بود. از جمله سایت جعفر آباد و نیز سایت‌های شمال شرق استان. تاکنون پژوهش قابل توجهی در این زمینه در حوزه پژوهش این نوشتار صورت نگرفته است.

- بررسی و واکاوی گونه‌ی زبانی سایت‌های گذار، بسیار جالب توجه است؛ به ویژه آنکه این سایت‌ها، برخی ویژگی‌های گویش و یا زبان اصلی و کهن خود را حفظ کرده‌اند و تحت تأثیر گویش زبرین که اکنون ساکن آن ناحیه هستند، ویژگی‌های دیگری را نیز پذیرفته‌اند. برای نمونه سایت «سراب‌کارزان» هم یک سایت به اصطلاح، «دوگویشی» است و هم اشتراکاتی با گویش «لکی» رایج در شمال شرق استان دارد.

- کشش واکه‌ها و آهنگ خیزان و افتان واژگان و جملات و نیز محل تکیه در جمله و واژه، در برخی سایت‌های پژوهش، جالب توجه بود. از جمله سایت جعفر آباد و نیز سایت‌های شمال شرق استان. تاکنون پژوهش قابل توجهی در این زمینه در حوزه پژوهش این نوشتار صورت نگرفته است.

## منابع

- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶)، *تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه*، قم: فقه.
- بارتلمه، کریستین (۱۳۸۴)، *تاریخچه واحهای ایرانی*، واهه دومانیان (مترجم)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بازیار، حسین (۱۳۹۱)، طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا در استان ایلام) شماره ۹، پایان نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی.
- پالیزبان، کرم‌الله (۱۳۸۰)، نظام آوایی گویش کردی ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۶)، *طرح ملی اطلس زبانی ایران (کتابچه جامع تدوین اطلس)*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۹۰)، *آواشناسی (فونتیک)*، سیزدهم، تهران: آگه.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سارایی، ظاهر (۱۳۷۹)، *شاعر قله‌های مه‌آلود*، تهران: گویه.

– شیری، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، «مقدمه‌ای بر توصیف آواهای گویش کُردی ایلامی»، فرهنگ ایلام، هفتم و هشتم: ۱۳۸-۱۴۳.

– مرادی مقدم، مراد (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: پرسمان  
 – ملایی پاشایی، سیف‌الله (۱۳۹۲)، گویش‌سنجی رایانشی دامنه شمالی البرز مرکزی بر پایه الگوریتم لوشین: تدوین  
 یک اطلس زبان‌شناختی، رساله دکتری، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران  
 – ملایی پاشایی، سیف‌الله؛ نجفیان، آرزو (۱۳۹۳)، «اعتبارسنجی گویش‌سنجی کرانه جنوب‌خاوری دریای مازندران به  
 روش بسامد آوایی هوینبروورس». پژوهش‌های زبان‌شناسی، یازدهم. ۷۱-۸۸  
 – منصوریان، حشمت (۱۳۶۹) فرهنگ لغت منصوریان، تهران: آسیا.

- Aliakbari, Mohammad; Gheitasi, Mojtaba; Anonby, Erik (2014), “on *Language, Distribution in Ilam Province*”, *Iranian Studies*, 48, 835-850.
- Baldauf Jr, Richard B (2008), “Rearticulating the Case for Micro Language Planning in a Language Ecology Context”. *Language Planning and Policy*. Liddicoat, A; Baldauf, R. Multilingual Matters. 18-41.
- <http://web.uvic.ca/ling/resources/ipa/charts/IPAlab/IPAlab.htm>
- <http://www.amar.org.ir>
- <https://www.gabmap.nl>
- Roach, Peter (2009), *English phonetics and phonology*, (4th edition), UK: Cambridge University Press.
- Snoek, Conor (2014), “Review of Gab map: Doing Dialect Analysis on the Web”, *Language Documentation and conversation*, (8):192-208. From: <http://nflrc.hawaii.edu/ldc>. 2016/7/17.
- Tulloch, Shelley (2008), “Preserving Dialects of an Endangered Language”. *Language Planning and Policy*. Liddicoat, A; Baldauf, R. Multilingual Matters. 95-112.